

«نمایندگان امر، نمایندگان کلام» روایتی مستند از تشکیل یک نهاد

## روایتی از چالش نویسنندگان باتمامیت‌خواهی پهلویستی

■ محمدرضا کاثینی

تأسیس کانون نویسندگان ایران را باید فارغ از سرنوشتی که در دهه‌های بعد یافت به ارزیابی نشست. شوربختانه آثاری که تاکنون در این باره تدوین یافته، اولاً ممدود و ثانیاً جهت‌دار بوده است و در روند نگارش آن ردپای سیاست رصد می‌شود. این قاعده ناراست، تنها استثناات اندکی دارد که بی‌شک یکی از آنها اثر تاریخی–تحلیلی «نمایندگان امر، نمایندگان کلام»، تألیف آراز بارسقیان، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران است. نویسنده با تلاش روشمند و مستند خویش کوشیده است تا از فرآیند تأسیس کانون نویسندگان ایران و فعالیت‌های ۱۲ ساله آغازین آن تصویری روشن و واقعی ارائه دهد و خواننده را با تو در نوی آن آشنا سازد. این بررسی همچنان تصویری از مواجهه متقابل نویسندگان در دوره پهلوی دوم با نهاد امنیتی ساواک را به نمایش گذاشته است. بارسقیان همچنین در بخش‌های اولیه این تحقیق به نقش مهم و تعیین کننده جلال آل احمد در تأسیس این نهاد مدنی و صنفی، توجهی ویژه نشان داده و ابعاد گوناگون آن را نمایان کرده است. اسناد و تصاویر بعضاً منتشر نشده‌ای که در پایان این اثر آمده نیز بر جذابیت آن افزوده است. آراز بارسقیان در گفت‌ووشنودی با یکی از خبرگزاری‌ها در نشان دادن مختصات کتاب خویش به نکات پی آمده اشارت برده است:

«ساختار واقعی کتاب نمایندگان امر نویسندگان کلام، به بررسی ۱۲ سال حیات کانون نویسندگان،



آراز بارسقیان نویسنده «نمایندگان امر، نمایندگان کلام»

فراز و نشیب‌های تاریخی و هنری آن با حضور شخصیت‌ارزشمند ادبی جلال آل احمد می‌پردازد. خودم شخصاً روزی اولی که جرعه برداختم به کانون نویسندگان در دغتم زده شد، سعی کردم مسیری را در شکل‌گیری این کتاب انتخاب کنم که تأثیر آثار به‌جا مانده از جلال آل احمد را در احیای نظام ادیبی و هنری که دوران سیاه فرهنگ و ادب کشور در زمان قبل انقلاب بود، مورد توجه مخاطبان قرار دهم. این کار به معنای کند بودن شکل‌گیری ساختار کتاب نیست، بلکه هدف اصلی دقت و توجه زیاد در ثبت رویدادها و روایت‌ها از سالل ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۸ بوده است که منابع مهم این کتاب مبتنی بر سه سند خاطرات، اسناد سیاسی ساواک و اسناد کانون نویسندگان است. که این کانون برای آنها بسیار خطر ساز بوده است. همچنین پژوهش‌های دیگران که در این باره به نگارش در آمده نیز در این تحقیق از نظر من دور نبوده است. وقتی به بررسی جریان نگاشتن این اثر نگاه می‌کنیم، به حقیقت تلاش جلال آل احمد در آن دوره نزدیک می‌شویم و اینکه توانسته است شخصیت ادبی این نویسنده شناخته شده را بهتر معرفی کند. خواننده این کتاب می‌تواند به اغلب جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی زندگی آل احمد و نقش وی در ترسیم خط و مشی نظام ادبی کشور پی ببرد و در کی واقعی‌تر از تلاش مؤثر او در این حوزه‌ها داشته باشد. علاوه بر این خواننده در این تحقیق، به مشارکت مؤثر جلال در فرآیندهای نظیر تأسیس کانون نویسندگان – که نظام طاغوت مخالف سرسخت آن بود– به صورت روایی و بافضاهای مختلف ایجاد شده در کتاب، پی می‌برد و با آن همراه می‌شود. امیدوارم این کتاب، فرصتی برای رشد فیهم ادبی جامعه نسبت به بزرگان اهل قلم تاریخ کشورمان شود و مسیر فرهنگ و هنر جامعه را به سمت درست خود برای مخاطبین ترسیم کند…»

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان



آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان

آراز بارسقیان